الحسن

انا الضامن لمن لم یهجس فی قلبه إلا الرضا أن یدعو الله فیستجاب له

کسی که در دلش هوایی جز خشنودی (خدا) خطور نکند من ضمانت می کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند.

دیدگاه

درنگی در نظریه عاملیت جمعی شهید صدر

دکتر مسعود پورفرد، عضو هیئت علمی گروه سیاست پژوهشگاه شهید صدر در نشستی که با عنوان «نظریه عاملیت جمعی در اندیشه سیاسی شهید صدر» به مناسبت فرارسیدن سالگرد شهادت شهید سید محمدباقر صدر برگزار شد، عنوان کرد: به طور ساده منظور از عاملیت جمعی چیزی در مقابل عاملیت فردی است. شهید صدر حامی عاملیت جمعی است چراکه در حوزه نظام‌های اجتماعی سیاسی عاملیت جمعی مؤثرتر و کارآمدتر است. سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی و جمعی نمونه ساده‌ای از عاملیت جمعی هستند؛ یعنی گروهی از مردم که مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی و هدف خاص دارند.

وی افزود: عاملیت جمعی در دوران معاصر پیروزی‌های بزرگی را برای جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی و عرصه‌های مختلف رقم زده است؛ اگر این عاملیت مهم شمرده شود نظام سیاسی هم می‌تواند موفقیت خود را بیمه کند.

عضو هیئت علمی گروه سیاست پژوهشگاه شهید صدر به دوران زندگی شهید صدر و حکومت صدام اشاره و ابراز کرد: شهید صدر ثابت کرد عاملیت جمعی بر پایه اسلام می‌تواند ساختارهای متصلبی مانند ساختار سیاسی صدام را در هم بشکند. هرچند متأسفانه این عالم بزرگ جهان اسلام را به شهادت رساندند اما ایشان منابع و مطالبی کلیدی را در فلسفه جامعه‌شناسی مطرح کرد که می‌تواند مورد استفاده ما قرار گیرد.

وی ۶ گزاره را در چگونگی استفاده از آثار شهید صدر مورد توجه قرار داد و گفت: گزاره نخست این است که عاملیت فردی با تلاش اجتماعی می‌تواند به سمت عاملیت جمعی سوق پیدا کند؛ این راه را می‌توان به دو صورت پیمود؛ یکی حب ذات که مورد اشاره شهید صدر است که خودخواهی ذاتی افراد زمینه‌ای برای رساندن خیر به دیگران است و این کمال خواهی می‌تواند به حرکات خیرخواهانه جمعی نیز منتقل شود؛ دوم، فلسفه صدرایی و حکمت متعالیه که شهید صدر آن را تدریس می‌کرد نیز به دنبال حرکت جوهری فردی به سمت حرکت جوهری جمعی و مورد تأیید شهید صدر است.

پورفرد در بیان این گزاره که تغییر در ساختار غیرممکن نیست، گفت: دو بخش ساختار و کارگزار نشان می‌دهد ساختارها سیستم جبری است که الزامات و شکل‌های خاص خود را دارد و ممکن است منعطف یا متصلب باشد؛ شهید صدر اعتقاد دارد ساختار به هر شکلی باشد قابل تغییر است؛ از سویی عاملیت جمعی با قدرت بیشتر خود می‌تواند این ساختار را تغییر دهد.

وی با توجه به گزاره چهارم که کارگزار فردی نقش فردی و کارگزار جمعی نقش جمعی دارد، گفت: باید عاملیت جمعی با ویژگی‌های مطلوب خود فعال شود و ما این قدرت اجتماعی را در کنار قدرت سیاسی به رسمیت بشناسیم و وظیفه نظارت و کنترل را به آن واگذار کنیم که این یکی از پایه‌های اساسی و زیرساخت‌های نظریه عاملیت است.

پورفرد گزاره پنجم را تأکید نصوص دینی بر عاملیت جمعی و نهی از گوشه‌گیری عنوان و در بیان گزاره ششم اظهار کرد: آیات مربوط به این مسئله در حوزه اجتماعی وجود دارد؛ شهید صدر آیاتی را انتخاب می‌کند که زندگی اجتماعی سیاسی نشان می‌دهد این جامعه می‌تواند در راه‌ها و سبک‌های زندگی خود موفق شود؛ عاملیت جمعی بر اساس این آیات می‌تواند سبب کارآمدی یک نظام باشد.

عضو هیئت علمی گروه سیاست پژوهشگاه، مشکلات جمهوری اسلامی را ناشی از توجه کم به عاملیت جمعی برشمرد و گفت: شهید صدر در پاسخ به این مشکلات می‌گوید مشارکت جمعی را در نظام خود استفاده کنید و هیچ نگران نباشید؛ ما با این دیدگاه می‌توانیم در جمهوری اسلامی و حتی در جهان اسلام تحول ایجاد کنیم.

نکته‌ها

آیت‌الله مصباح یزدی

بقای اسلام مرهون تدبیر امام حسن(ع) است

توطئه‌های معاویه چنان امام حسن(ع) را در غربت فرو برده بود که معاویه به خود جرئت می‌داد برای آن حضرت پیام بفرستد که «فَاحْذَرْ أَنْ تَكُونَ مَنِيَّتُكَ عَلَى يَدَيْ رِعَاعِ النَّاسِ؛ بترس از اینکه افرادی پست و بی‌هویت تو را به قتل برسانند».

در چنین شرایطی امام حسن(ع) بر سر دو راهی قرار گرفت: جنگی را آغاز کند که در آن خودش و اصحابش بی‌ثمر به شهادت می‌رسند و فاتحه دستگاه تشیع خوانده می‌شود [یا اینکه] با خون دل، دندان روی جگر بگذارد و ملامت دوست و دشمن را بشنود تا زمینه‌ای را فراهم کند و مردم به حدی از رشد فکری و فرهنگی برسند که بنی‌امیه را بشناسند و بفهمند این‌ها مسلمان واقعی و ملتزم به احکام اسلام نیستند. امام حسن(ع) از ابتدا معاویه را می‌شناخت و می‌دانست سرانجام کار او چه خواهد شد؛ اما باید به مردم بفهماند سر و کار شما با چنین کسی است؛ کسی که به تصور شما یکی از اصحاب پیغمبر و خال مؤمنان است. تدبیر امام حسن(ع) این بود که مردم بنی‌امیه را بشناسند و همین امر موجب شد زمینه برای قیام سیدالشهدا(ع) فراهم شود. اگر مردم، بنی‌امیه را نشناخته بودند، شهادت سیدالشهدا(ع) هم تروری می‌شد مثل بسیاری از موارد مشابه که بی‌نتیجه ماند. صلح امام حسن زمینه‌ای شد برای اینکه مردم بنی‌امیه را بشناسند و پس از قیام امام حسین(ع) و شهادت آن حضرت به تدریج بیدار شوند و به مخالفت با بنی‌امیه بپردازند. در این میان اصل تشیع محفوظ ماند و فرصتی پیدا شد که ائمه بتوانند فرهنگ اسلام و عقاید تشیع را در میان مردم رواج دهند. پس بقای اسلام مرهون تدبیر امام حسن(ع) است و به گفته مرحوم شیخ راضی آل یاسین داستان کربلا پیش از اینکه حسینی باشد، حسنی است. امام حسن بود که زمینه کربلا را فراهم کرد. داستان کربلا در صورتی اثربخش بود و جای خودش را باز می‌کرد که مردم این شناخت را پیدا کرده و از خواب غفلت بیدار شده باشند. در غیر این صورت می‌گفتند یزید که جانشین پیغمبر است؛ مثل خلیفه اول و دوم و سوم. مگر نه اینکه معاویه با تبلیغات خود بالاترین واجبات را تبعیت از کسی معرفی کرده بود که مردم با او بیعت کرده‌اند؟ اما زمانی که خود پیمانش با امام حسن(ع) را نقض کرد، مردم فهمیدند همه این حرف‌ها بازی برای فریب آن‌ها بوده است. ما نباید غفلت کنیم از اینکه در کنار امام حسین(ع)، امام مظلوم دیگری هم داریم که حق او ناشناخته مانده است و باید در هر فرصت تلاش کنیم در برابر آن حضرت ادای وظیفه کنیم.

گزارش از شخص

نگاهی به زندگی و شخصیت سلمان فارسی

رسیدن به سرچشمه زلال حقیقت

مجید تربت‌زاده | ۱۴۵۴ سال پیش در خانه کشاورز و زمین‌دار با اصل و نسب ایرانی، فقط یک نوزاد به دنیا نیامد؛ انگار روح جست‌وجوگر و پرتلاشی پا به عرصه وجود گذاشت. روح خستگی‌ناپذیری که قرار بود دست «روزبه» را بگیرد، شهر به شهر، بیابان به بیابان بگرداند، در آتشکده و دیر و... بچرخاند و دست آخر او را در سرزمین حجاز به «محمد(ص)» برساند. اصلاً خدا «روزبه» را برای مسلمان شدن آفریده بود. برای اینکه روزی ما ایرانی‌ها به وجودش، به مراحل ایمان و یقینش و به نوع اسلام آوردن نابش افتخار کنیم. برای اینکه زرتشتی‌زاده یا اشراف‌زاده ایرانی روزی آن‌قدر در ایمان و ارادت بالا رود که رسول خدا(ص) او را از اهل بیتش بداند.

■ روح پرسشگر

ما ایرانی‌ها حقمان است به وجود جناب سلمان افتخار کنیم. البته افتخار کردن، حسابش با ادای دین به سلمان فرق می‌کند. چه اینکه ما ایرانی‌ها کمتر به این فکر کرده‌ایم برای ادای دین به جناب سلمان که پرچم ایران و ایرانی‌ها را در تاریخ اسلام بالا نگه داشته، باید دست‌کم شناختی کافی از وی داشته باشیم و بدانیم چرا در میان اصحاب و یاران خاص رسول خدا(ص)، حسابش از بقیه جداست. تفاوت سلمان با ابوذر، عمار و... در چیست؟ آیا فقط ایرانی بودن است؟ برای پیدا کردن پاسخ این پرسش باید نگاهی به نحوه زندگی و همچنین سبک و سیاق اسلام آوردن سلمان بیندازیم.

فرزند «بدخشان» ایرانی وقتی در «کازرون» امروزی یا منطقه «جی» اصفهان به دنیا آمد از آنجا که خانواده مرفهی داشت می‌توانست بدون هیچ دغدغه و دردسری، سرگرم زندگی‌اش شود، درسی بخواند، در آتشکده‌ای خدمت کند، موبد شود و... چه بسا عالم و روحانی سرشناسی از کار در بیاید.

کودک ایرانی اما روح پرسشگر و تشنه‌ای همراهش بود که این سبک زندگی و دینداری آرامش نمی‌کرد.

■ آغاز ماجرا

درباره کودکی، نوجوانی و جوانی‌اش داستان و ماجراهای بسیاری نوشته‌اند. بررسی راست و دروغ بسیاری از آن‌ها از حوصله این مطلب بیرون است. معروف است علاقه شدید پدر به روزبه سبب شده بود کودک زرتشتی تقریباً در محیط خانه و زندگی محبوس باشد. نخستین باری که پدرش تصمیم می‌گیرد او را در نوجوانی برای سرکشی از کارگران زمین‌های کشاورزی بفرستد، توجهش به کلیسایی که در مسیرش بود جلب شد و... همین ماجرا او را کنجکاو و سپس به مسیحیت علاقه‌مند کرد. این علاقه دست به دست کنجکاوی‌های بی‌پایانش داد تا در نهایت از خانه و آسایش و آرامش خفقان‌آورش بگریزد و با مرارت‌های بسیار، خود را به شام که آن زمان مرکز مسیحیت بود برساند و نزد اسقف مسیحی آنجا آموزش ببیند. البته کسی مثل روزبه به همین حداکتفا نمی‌کند، مقصد سفرهای بعدی او موصل، نَصیبین و در نهایت عَموریّه است که سال‌های زیادی را در کلیسای این شهرها نزد راهبان به عبادت می‌گذراند تا اینکه اسقف «عموریه» او را به ظهور پیامبری در حجاز بشارت می‌دهد. حالا انگار دری تازه مقابل روح جست‌وجوگر روزبه جوان گشوده شده است.

■ متعلق به همه ایرانیان

داستان روزبه که بعدها سلمان فارسی می‌شود، داستان تلاش، تحقیق، ایمان، مجاهدت و خستگی‌ناپذیری است. اصلاً تفاوت این یار ویژه رسول خدا(ص) با دیگران، تفاوت ایمانش با دیگر ایمان آوردن‌ها، در همین ویژگی‌های خاص سلمان است. سلمان همه ارزش و اعتباری که حالا و ۱۴۵۰ سال بعد می‌شود با افتخار از آن حرف زد را تنها به مدد زیستن در کنار رسول خدا(ص) و همزمانی با او بدست نیاورده است. بخش‌هایی از سخنان رهبر انقلاب را درباره این صحابی ایرانی پیامبر(ص) بخوانید: «سلمان فارسی متعلق به همه ایران است؛ همه مردم ایران، همه فارسی‌زبانان، همه کسانی که ستایش پیامبر اکرم از مردم فارس، متوجه آن‌هاست، مفتخر به جناب سلمان‌اند. سلمان متعلق به کشور ماست، متعلق به ملت ماست. مردم کازرون، ولادت او را در میان خودشان و در این ناحیه می‌دانند؛ مردم

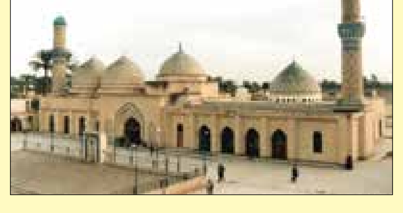

اصفهان، نشو و نمای او را در منطقه اصفهان می‌دانند؛ منافاتی هم ندارد. علاوه بر شیراز، علاوه بر استان فارس و شهر کازرون و دشت ارژنه که نام مبارک سلمان فارسی را به خودشان متوجه می‌کنند و حق هم دارند و علاوه بر مردم اصفهان که بر نشو و نمای این عنصر الهی مدعی‌اند که در میان آن‌ها بوده است و حق هم با آن‌هاست، همه مردم ایران مفتخرند به شخصیتی مثل سلمان... نباید گفت سلمان فارسی از فارس یا از ایران است، باید گفت فارس و ایران از سلمان فارسی است. مقام ایمان، مقام معرفت، مقام مجاهدت در راه خدا، پیگیری برای رسیدن به سرچشمه زلال حقیقت، آنچنان یک انسانی را بالا می‌برد که پیغمبر بفرماید: «سلمان منّا اهل البیت» او را جزو اهل بیت به حساب بیاورد و شخصیت‌هایی مثل جناب ابی‌ذر و عمار و مقداد و دیگر صحابی‌ها در مقام تقویم و مقایسه در رتبه‌های بعد از سلمان قرار بگیرند؛ این برای ما درس است، این برای جوان ایرانی الگوست؛ یعنی حقیقت را جستن، جست‌وجو کردن، یافتن و بر آن پای فشردن. این آن چیزی است که سلمان را سلمان می‌کند؛ همچنانی که مجاهدت، صفا، پایبندی به عقیده حقی که آسان بدست نیامده است، مردم کازرون را به یک مردم نمونه‌ای تبدیل می‌کند که یاد مردم کازرون، نام مردم کازرون، نام شهر کازرون در ذهن انسانی که علاقه‌مند به سرنوشت این کشور است، همواره ثبت و حک می‌شود. این‌ها شرافت‌های حقیقی است».

■ ۳ ویژگی مهم

راوی می‌گوید: (به امام صادق(ع) عرض کردم) چقدر من زیاد می‌شنوم از شما که نام سلمان را می‌برید و از او یاد می‌کنید... معلوم می‌شود حضرت مکرر در مکرر راجع به سلمان مطالبی را می‌فرموده‌اند... «فَقال: لاتَقُل "الفارسی" وَلکِن قُل سَلمانَ المُحَمَّدی»، یعنی نسبتِ او فراتر از نسبت قومی و میهنی است؛ نسبت دینی است. بعد می‌فرمایند: سه خصوصیت در سلمان بود که این موجب می‌شود من او را زیاد یاد کنم. خصوصیت اول، ترجیح خواسته امیرالمؤمنین(ع) بر خواسته شخصی خودش بود... میل امیرالمؤمنین(ع) را بر میلِ خود غلبه می‌داد. از این معلوم می‌شود بیش از یک بار چنین چیزی اتفاق افتاده که حضرت چیزی را اراده کردند.

خصوصیت دوم، دوست داشتن فقرا و ترجیح آن‌ها به ثروتمندان بود... بعضی‌ها از طبقه مستضعف جامعه اصلاً بدشان می‌آید؛ حاضر نیستند طرف آن‌ها بروند، نگاه بکنند به آن‌ها! خودشان را برتر از آن‌ها می‌دانند؛ او نه؛ فقرا را دوست می‌داشت، آن‌ها را بر اهل ثروت ترجیح می‌داد. اگر فرض بفرمایید در یک جایی امر دایر بود بین یک سرمایه‌دارِ محترمِ خیلی پولداری یا یک فقیری، یا باید مثلاً خانه این برود یا خانه آن برود، یا باید به این سلام کند یا باید به آن سلام کند، این فقیر را بر آن غنی ترجیح می‌داد.

خصوصیت سوم، دوست داشتن علم و دانشمندان بود. جناب سلمان علم را دوست می‌داشت، علما را دوست می‌داشت. این سه خصوصیت در این بزرگوار موجب می‌شود که امام صادقِ با آن جلالت و عظمت، نسبت به او گرایش پیدا کند، محبت - یا تجلیل و تعظیم - نسبت به او بکند.

■ سلمان فارسی شدن دشوار است!

نکته پایانی این مطلب باز هم سخنان رهبر انقلاب درباره شخصیت و جایگاه سلمان است: «باید با عمل و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املا می‌کند و از ما می‌خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته به این خاندان بشویم. این‌طور نیست که قنبرِ درِ خانه علی(ع) شدن، کار آسانی باشد. این‌گونه نیست که «سلمان منّا اهل البیت» شدن، کار آسانی باشد».

مناقب

فضائل امام حسن(ع) به روایت اهل سنت

به روایت حاکم از ابن‌عباس که گفت: رسول(ص) تشریف می‌آورد و حسن را بر گردن گرفته بود. مردی به آن حضرت رسید و گفت: چه مرکب خوبی سوار شده‌ای ای پسر! رسول اکرم(ص) فرمود: و چه سوار خوبی است او. (صحیح ترمذی ۵:۶۶۱، ح ۳۷۸۴. المستدرک، للحاکم ۳:۱۸۶. تاریخ الخلفاء ص ۱۸۹)

بررسی اقدامات علمی و فرهنگی پیشوای دوم شیعیان

صلح امام حسن علیه‌السلام زمینه‌ساز نهضت عاشورا

گزیده

امام حسن مجتبی(ع) هرگز در بیان حق و دفاع از حریم اسلام نرمش نشان نمی‌دادند. آن حضرت از هر فرصتی برای انتقاد از اعمال ضد اسلامی معاویه استفاده کرده و با سخنرانی‌های روشنگرایانه ضمن تبیین حقانیت اهل بیت(ع)، مشروعیت حکومت ستمگر امویان را زیر سؤال می‌بردند. یکی از این افشاگری‌ها خطبه‌ای است که امام حسن(ع) پس از شهادت امام علی(ع) در مسجد کوفه برای مردم ایراد کردند.

زهرا دلپذیر | وضعیت جامعه اسلامی پس از شهادت حضرت علی(ع) بسیار پیچیده و نابسامان بود؛ امویان و دیگر گروه‌های معارض همچون خوارج، شکاکان و... تلاش داشتند با شبهه‌افکنی امت اسلامی را گرفتار نفاق و چنددستگی کنند. وقوع جنگ‌های پی در پی داخلی (جمل، نهروان و صفین) و عافیت‌طلبی مردم نیز بر ناپایداری و آشفتگی جامعه افزوده بود.

در چنین شرایطی امام حسن مجتبی(ع) به درخواست مردم رهبری جامعه اسلامی را پذیرفتند. اما حکومت امام به دلیل فتنه‌انگیزی‌های معاویه که در شام مدعی خلافت مسلمین شده بود، نفاق و خیانت برخی از سران سپاه امام، چنددستگی و ضعف ایمان مردم و بصیرت نداشتن سران قبایل، چندان نپایید و مردم از اطراف آن حضرت پراکنده شدند. با توجه به این شرایط، امام حسن(ع) معقول‌ترین و خردمندانه‌ترین راهکار برای مصلحت مسلمانان را صلح تشخیص دادند و حکومت را به طور مشروط و موقت به معاویه سپردند.

از نظر امام، جنگ با معاویه بدون فراهم آوردن مقدمات لازم - که مهم‌ترین آن، کار فرهنگی بود - جز شکست و نابودی نتیجه دیگری نداشت. در واقع با این صلح فعالیت امام بیشتر بر روشنگری و آگاه نمودن مردم از فتنه‌ها و بدعت‌های معاویه متمرکز شد.

آن حضرت کوشیدند هدف‌های عالی و مقدس خود را تا حد امکان از رهگذر صلح و به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز تأمین نمایند و امت اسلامی را با اندوخته علمی و فرهنگی خود مجهز کنند تا با آگاهی از کجروی‌ها و بدعت‌های دروغین معاویه، در مسیر الهی گام بردارند. به مناسبت هفتم ماه صفر که به روایتی سالروز شهادت امام حسن مجتبی(ع) است به بررسی فعالیت‌های علمی و فرهنگی آن حضرت در تبیین حقانیت اهل بیت(ع) و برملا کردن کفر و نفاق اموی می‌پردازیم.

■ تعلیم معارف الهی و تربیت شاگردان شایسته

یکی از فعالیت‌های مهم فرهنگی امام حسن(ع) که نتایج پرباری داشت برگزاری جلسات و محافل علمی و تعلیم و آموزش معارف الهی به مردم بود. آن حضرت پرورده خاندان امامت و رسالت بودند و افزون بر علم لدنی از چشمه جوشان علم پیامبر(ص)، امام علی(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) بهره فراوانی داشتند.

بنابر بر روایت محدثان، از همان آغاز کودکی علم، نبوغ فکری و تیزهوشی بی‌نظیری در امام حسن(ع) پدیدار بود و حتی گاهی امیرالمؤمنین(ع) پاسخ برخی مسائل را به آن حضرت محول می‌کردند.

امام حسن(ع) پس از رسیدن به امامت با برگزاری جلسات علمی به نشر معارف الهی می‌پرداختند. در مدت اقامت آن حضرت در دمشق، مردم با اشتیاق فراوان به حضور امام می‌رسیدند و از دانش سرشار ایشان استفاده می‌کردند. چنین استقبالی معاویه و یارانش را به هراس می‌انداخت. امام(ع) در مدینه نیز هر روز پس از رسیدگی به امور مسلمین در کنار مزار جدش می‌نشست و به تدریس اصول و فروع دین و تفسیر آیات قرآن می‌پرداخت.

روزی معاویه از افرادی که از مدینه آمده بودند، پرسید: حسن بن علی چه می‌کند؟ مردی از قریش که ساکن مدینه بود گفت: «نماز صبح را در مسجد جدش برگزار می‌کند، تا طلوع آفتاب می‌نشیند. پس از آن تا نزدیک ظهر به بیان احکام الهی و تعلیم و آموزش مردان مشغول است، سپس نماز می‌خواند و زنان از احادیث و گفته‌هایش استفاده می‌کنند. این برنامه کار هر روز او است».

ابن‌صباغ مالکی درباره جلسات علمی امام حسن(ع) می‌نویسد: «حسن بن علی -که درود بر او باد- در مسجد رسول خدا(ص) می‌نشست. تشنگان معارف اسلامی گرداگردش حلقه می‌زدند و او برایشان معارف و احکام الهی را بازگو می‌کرد. او به‌گونه‌ای سخن می‌گفت که تشنگان علم و معرفت را سیراب نموده و ادله و براهین دشمنان را باطل می‌کرد...».

جلسات علمی امام چنان پربار بود که شخصیت‌های علمی و دانشمندان بزرگ آن عصر از نقاط دور و نزدیک امت اسلامی به مدینه می‌آمدند تا از محضر آن حضرت کسب فیض کنند.

در بین شاگردان امام، برخی از صحابه پیامبر(ص) و تابعین نیز حضور داشتند. بزرگان و مورخان بزرگ مسلمان مانند شیخ طوسی، علامه مجلسی، ابن شهرآشوب و ابن عساکر، نام برخی از شاگردان نامدار و راویان آن حضرت همچون کمیل بن یزید نخعی، مسلم بن عقیل، حبیب بن مظاهر، میثم تمار، فاطمه بنت حبابه و... را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

این شاگردان نامدار برای نشر معارف اهل بیت گام‌های فراوانی برداشتند تا جایی که برخی از آن‌ها در واقعه کربلا جزو یاران وفادار امام حسین(ع) بودند.

■ خطبه‌های کوبنده

امام حسن مجتبی(ع) هرگز در بیان حق و دفاع از حریم اسلام نرمش نشان نمی‌دادند. آن حضرت از هر فرصتی برای انتقاد از اعمال ضد اسلامی معاویه استفاده کرده و با سخنرانی‌های روشنگرایانه ضمن تبیین حقانیت اهل بیت(ع)، مشروعیت حکومت ستمگر امویان را زیر سؤال می‌بردند. یکی از این افشاگری‌ها خطبه‌ای است که امام حسن(ع) پس از شهادت امام علی(ع) در مسجد کوفه برای مردم ایراد کردند.

آن حضرت پس از حمد و ثنای خداوند چنین به سخن پرداختند: «در شب گذشته، روح مردی به سرای جاودانی شتافت که هیچ یک از پیشینیان به کردار و عمل او نرسیده و در میدان مسابقه تقوا و عمل صالح از برابری و پیشی‌گیری بر او عاجز مانده‌اند و هیچ یک از پسینیان در این مضمار سبق به او نخواهند رسید. مردی بود که رسول الله(ص) رایت جنگ را به او می‌داد و در میدان کارزار با دشمنان خدا می‌جنگید در حالی که جبرئیل از طرف راستش و میکائیل از سمت چپش او را یاری می‌کردند. هیچ گاه پشت به جنگ نمی‌کرد و از نبرد باز نمی‌گشت مگر وقتی که خداوند به دست او فتح می‌کرد... ای مردم! هر که مرا می‌شناسد که می‌شناسد و کسی که مرا نمی‌شناسد پس من حسن بن علی هستم. من فرزند پیغمبر خدایم. من فرزند وصی رسول خدا(ص) هستم... من از اهل بیتی هستم که خداوند اراده کرده هر گونه رجس و پلیدی را از آنان بردارد و خداوند مودت آن‌ها را بر هر مسلمانی واجب کرده است...».

در مناسبت دیگری در شام، معاویه به درخواست عمروبن عاص از امام حسن(ع) دعوت کرد به منبر رود و سخنرانی کند، به این امید که آن حضرت از عهده این کار برنیاید و او بتواند در انظار عمومی، ایشان را کوچک جلوه دهد.

امام(ع) به منبر رفت و چنان بلیغ و رسا سخنرانی و حقایق را آشکار کرد که لرزه بر اندام معاویه افتاد و به امام گفت: ای حسن، تو امیدوار بودی خلیفه باشی اما شایستگی آن را نداری! امام(ع) فرمود: خلیفه کسی است که مطابق سیره و روش رسول خدا عمل و بر طاعت خداوند رفتار کند. خلیفه آن نیست که راه جور و بیداد را پیش گرفته، سنن نبوی را تعطیل کرده و دنیا را پدر و مادر خود بداند. آن کار حاکمی است که روزگار کمی به حکومت دست یابد و به زودی آن تمتع او منقطع و لذات آن رو به افول نهاده و تبعات و سختی‌های آن گریبانش را بگیرد و آن همچون این آیه قرآن است: «و نمی‌دانم شاید این شما را آزمونی باشد و برخورداری تا هنگام مرگ» و با دست به معاویه اشاره کرد.

پس از پایان خطبه امام، معاویه به عمرو گفت: به خدا وقتی اراده این کار را کردی قصدی جز رسوایی و ننگ من نداشتی. به خدا تا پیش از این، اهل شام هیچ کس را در حسب و غیر آن در ردیف من نمی‌دانست تا اینکه حسن این سخنان را گفت. عمرو پاسخ داد: محبوبیت حسن در میان مردم امری واضح و آشکار است و نمی‌توان آن را تغییر داد.

■ شرکت در مراسم حج

حج یکی از مهم‌ترین مناسک اسلامی است که از دیرباز نقشی بسیار مهم در تقویت وحدت و همگرایی مسلمانان داشته است. امام حسن(ع) نیز همچون دیگر ائمه(ع) به‌منظور آگاهی دادن مردم، از رسانه حج بهره گرفته و آنچه را در جای دیگر ابلاغش میسر نبود، از کنار خانه خدا به گوش مسلمانان می‌رساندند.

آن حضرت در طول دوران حیات مبارک خویش، ۱۵بار پای پیاده به حج رفتند. ایشان در طول این مسیر به تبلیغ و ترویج معارف ناب اهل بیت(ع) می‌پرداختند و در موسم حج با مردمی که برای اجرای مناسک حج به حجاز می‌آمدند، دیدار می‌کردند.

امام پس از صلح با معاویه، در مدینه ساکن شدند و با شیعیان خود از اقصی نقاط جامعه اسلامی که در هنگام حج به این شهر می‌آمدند، تماس داشتند. حتی صحنه رویارویی امام با شیعیان پس از صلح با معاویه، در موسم حج بوده است و امام به نحو احسن از این ظرفیت برای تبلیغ و تشریح مبانی اسلامی استفاده کردند.

■ مبارزه با جاعلان احادیث

حکام اموی برای تداوم حکومت غاصبانه و توجیه اقدامات غیراخلاقی خود، قصه‌پردازان را به نقل اسرائیلیات تشویق می‌کردند و دستور به جعل احادیث ساختگی درباره موضوعات مختلف می‌دادند.

سیاست جعل احادیث در زمان معاویه رونق بسیاری یافت؛ این حاکم ستمگر اموی، راویان و محدثانی استخدام کرد تا روایات و اخباری را در منقبت وی و پدرانش و مذمت امام علی(ع) و امام حسن(ع) جعل کنند. جاعلان حتی احادیث دروغین زیادی را از قول پیامبر(ص) منتشر کردند.

امام حسن(ع) از هر فرصتی برای رفع شبهاتی که در امت اسلامی به وجود آمده بود استفاده و با ارائه دلایل عقلی و نقلی، ضمن تأکید بر نادرست بودن این احادیث، جاعلان احادیث دروغین را به مردم معرفی می‌کردند.

آن حضرت برای نابود ساختن این توطئه پلید، فرزندان خود و امام حسین(ع) را فراخوانده و به آن‌ها فرمودند: ای فرزندان و برادرزادگانم، امروز شما کودکان قومی هستید و به‌زودی بزرگان نسل بعدی خواهید بود؛ پس دانش را بیاموزید و هر کدام از شما نمی‌تواند روایت نقل کند، آن را بنویسد و در خانه‌اش نگه دارد.

■ مناظره با مخالفان اهل بیت(ع)

یکی دیگر از روش‌های امام حسن(ع) برای تبیین حقانیت اهل بیت(ع) و برملا کردن چهره کفر و نفاق اموی، شرکت در مناظرات عقیدتی با مخالفان امامت بود.

یکی از مهم‌ترین این مناظرات در مجلس معاویه و در واپسین روزهای اقامت امام حسن(ع) در کوفه صورت گرفت. در کتاب «بحارالانوار» از قول «ابی‌مخنف» آمده: هنوز در اسلام جلسه مباحثه‌ای مهم‌تر و پرآشوب‌تر از مناظره امام حسن مجتبی(ع) با اصحاب معاویه اتفاق نیفتاده است؛ روزی «عمرو بن عثمان» و «عمرو بن العاص» و «عتبة بن ابی‌سفیان» و «ولید بن عقبه» و «مغیرة بن شعبه» که نظریه‌پردازان حکومت معاویه بودند به او اظهار کردند: حسن بن علی را برای مناظره با ما دعوت کن تا خلافت تو را اثبات و خلافت پدرش علی را با دلایل قوی، غیرشرعی و مردود اعلام کنیم و اخباری که در مذمت علی بن ابی طالب می‌دانیم را به او بگوییم... این‌گونه از عظمت حسن کاسته خواهد شد و اگر بعضی از نادانان او را سزاوار خلافت می‌دانند و تو را غاصب حق او می‌شمارند از عقیده خویش برخواهند گشت.

معاویه گفت: «از این تقاضا بگذرید و هرگز به طرف حریم او پا دراز نکنید زیرا اگر او را در جلسه عمومی دعوت کنم و به او اجازه سخن دهم، من و شما را قطعاً مفتضح و رسوا کرده و به عکسِ آنچه شما خیال کرده‌اید، محبت خود را زیادتر در قلوب مردم جایگزین خواهد کرد.

آن‌ها گفتند: چطور ممکن است او به تنهایی بر ما پنج نفر که همگی از خطبای آل امیه هستیم غلبه کند؟! معاویه پیشنهاد آن‌ها را پذیرفت و جلسه مناظره را برگزار کرد.

در این مجلس امام حسن(ع) از فرصت مناظره نهایت استفاده را نموده و ضمن برشمردن افتخارات امام علی(ع)، بازگویی حدیث ثقلین و...، سوابق شوم معاویه را برای همگان روشن کردند و به سؤالات این مدعیان دروغین، چنان بلیغ و کوبنده پاسخ دادند که آن‌ها را به سکوت واداشتند.

چون سخنان آن حضرت خاتمه یافت معاویه که رنگ باخته بود با نگرانی و اضطراب به اصحابش گفت: به خدا سوگند از سخنان حسن بن علی(ع) جهان در نظرم تاریک شد. یقین داشتم شما از عهده مبارزه و مباحثه با او برنمی‌آیید زیرا آنان علم و فصاحت و شجاعت را از یکدیگر به ارث برده‌اند و هرگز محکوم نمی‌شوند.

■ سخن پایانی

در نتیجه فعالیت‌های فرهنگی و راهبردی امام حسن مجتبی(ع)، معاویه با وجود تلاش بسیار در راه از بین بردن حقیقت اسلام و ارزش‌های والای انسانی موفقیت چندانی بدست نیاورد و نیات پلید و تبلیغات دروغین او برای امت اسلامی آشکار شد.

در واقع با تلاش‌ها و روشنگری‌های امام پیام اسلام حقیقی و معارف ناب اهل بیت(ع) که در خطر فراموشی قرار داشت به گوش همگان رسید و صلح آن حضرت با معاویه، زمینه‌ساز نهضت بزرگ عاشورا شد.

۳۷۰۸۸ پذیرش آگهی روزنامه قدس

أوشک دعوة وأسرع إجابة دعاء المرء لأخیه بظهر الغیب

دعایی که بیشتر امید اجابت آن می‌رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

تا اربعین

مدیر امور بانوان ستاد توسعه و بازسازی عتبات خبر داد

خدمات‌رسانی ۱۰۰ موکب ویژه بانوان

مدیر امور بانوان ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات با بیان اینکه حدود ۱۰۰ موکب ویژه بانوان در اربعین امسال خدمات‌رسانی خواهند کرد، گفت: توصیه اکید ما به بانوان تشرف خانوادگی است.

به گزارش مهر، زهرا سعیدی مبارکه، مدیر امور بانوان ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات با اشاره به ۱۰۰ موکب ویژه بانوان گفت: براساس آخرین صحت‌سنجی صورت گرفته تا شنبه ۱۲ شهریور با همت خیران و دوستداران اهل بیت(ع)، حدود ۱۰۰ موکب ایرانی ویژه بانوان برپا می‌شود که خدمات خاص برای بانوان ارائه می‌دهند.

وی افزود: در کنار این موکب‌ها، برای نخستین بار ستاد توسعه و بازسازی عتبات نیز اقدام به برپایی موکب ویژه بانوان در محل اجرای طرح توسعه حرم سیدالشهدا(ع) مزین به‌نام صحن حضرت زینب(س) کرده که خدمات متنوع و مورد نیاز بانوان را ارائه می‌دهد.

وی درباره دلایل برپایی موکب ویژه بانوان گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد با توجه به تعطیلی مدارس، بسیاری از زائران به شکل خانوادگی و همراه فرزندان خود به زیارت اربعین امسال مشرف شوند از همین رو پیش‌بینی می‌شود براساس آمار ثبت‌نام‌کنندگان در سامانه سماح، نزدیک به ۴۰ درصد زائران اعزامی از کشور ما بانوان باشند.

وی با بیان اینکه ۴۰ درصد از جمعیت ۵میلیونی زائران اعزامی از میهن اسلامی ما عدد بسیار بزرگ و قابل تأملی است، اظهار کرد: واحد امور بانوان ستاد توسعه و بازسازی عتبات براساس تجارب اربعین‌های گذشته و نیازسنجی از بانوان، فهرستی از خدمات ضروری و مورد نیاز اربعین خانوادگی امسال را جمع‌آوری و به موکب‌داران اعلام کرد.

سعیدی گفت: کمیته مشارکت‌های مردمی، اسکان و تغذیه اربعین حسینی که مسئولیت آن با ستاد توسعه و بازسازی عتبات است، با همکاری مدیران موکب‌های داوطلب، خدمات مختلفی از اختصاص اتاق «کودک و مادر»، توزیع بسته‌های بهداشتی ویژه خانم‌ها، خدمات درمانی و پزشکی، توزیع بسته‌های فرهنگی، خدمات طب ایرانی-اسلامی و ترجمه و... را به بانوان ارائه خواهند داد.

وی افزود: این موکب‌ها از دهم ماه صفر تا دو روز پس از اربعین و تا تکمیل ظرفیت خود، پذیرای زائران و بانوان محترم خواهند بود.

سعیدی با بیان اینکه هموطنان عزیز به‌ویژه بانوان باید به نکات فرهنگی و حساسیت‌های خاص مردم عراق توجه داشته باشند، گفت: نوع پوشش، رفتارهای اجتماعی، شیوه مکالمه و... زنان در عراق با بانوان ایرانی تفاوت‌هایی دارد، هموطنان باید به این نکات و حساسیت‌های فرهنگی کشور میزبان توجه داشته باشند.

وی با اشاره به آمار سامانه سماح و سهم نزدیک به ۷ درصدی بانوانی که انفرادی به اربعین اعزام می‌شوند، گفت: توصیه اکید ما به هموطنان به‌ویژه بانوان اعزامی به زیارت اربعین این است که حتماً به شکل خانوادگی مشرف شوند.

سعیدی افزود: به بانوانی که امکان تشرف خانوادگی را ندارند توصیه می‌کنیم حتماً در گروه‌های دست‌کم پنج نفری و تنها از مسیر اصلی پیاده‌روی و با وسایل نقلیه عمومی طی طریق کرده و تنها در موکب‌های بزرگ اقامت کنند و ترجیحاً از رفتن به منازل شخصی و دور از مسیر اصلی بپرهیزند.

مدیر امور بانوان ستاد توسعه و بازسازی عتبات تصریح کرد: برای توزیع عادلانه خدمات موکب‌های بانوان و امکان ارائه خدمات به بیشترین جمعیت اعزامی، برنامه‌ریزی شده این موکب‌ها حداکثر ۴۸ساعت پذیرای یک زائر باشند بنابراین به همه زائران به‌ویژه بانوان توصیه می‌کنیم زیارت اربعین را به عنوان یک زیارت عبوری ببینند و از اقامت طولانی بپرهیزند.

وی با تأکید بر اینکه میزبان اصلی زیارت اربعین حسینی، دولت، ملت و عشایر عزیز عراق هستند که انصافاً در این سال‌ها کریمانه و با تمام وجود از زائران پذیرایی کرده و می‌کنند، گفت: حضور موکب‌ها و خادمان ایرانی، تنها با هدف مشارکت در فیض و ثواب میزبانی از زائران است.

سعیدی گفت: با توجه به دستورالعمل‌های خاص بهداشتی در عراق و سخت‌گیری‌های خاص در همراه داشتن دارو، بانوانی که مجبورند دارو مصرف کنند، حتماً نسخه پزشک را همراه داشته باشند تا با مشکل روبه‌رو نشوند.

دانستنی‌های زائر

۸ راه پیشگیری از تاول زدن پا در پیاده‌روی اربعین

در پیاده‌روی اربعین، یکی از شایع‌ترین مشکلات زائران تاول پاست که با رعایت برخی نکات می‌توان از بروز این مشکل جلوگیری کرد. البته امسال در سه موکب در مسیر نجف -کربلا، تاول پا درمان می‌شود.

مرزهای زمینی و هوایی با عراق دوباره بازگشایی شد و زائران پس از احراز تأمین امنیت زائران در خاک عراق از سوی ستاد اربعین، می‌توانند از مرزهای مختلف به زیارت اربعین مشرف شوند.

پیش‌بینی شده امسال بیش از ۵میلیون ایرانی در ایام اربعین به عراق مشرف شوند. بسیاری از ایرانیان نیز مسیر نجف - کربلا را طی می‌کنند؛ این مسیر حدود ۸۰کیلومتر است و زائران اربعین، معمولاً در سه روز عمودهای این مسیر را پیاده طی می‌کنند.

در مسیر پیاده‌روی اربعین تاول زدن پا یکی از مشکلات شایع است. خبرگزاری فارس در «دانستنی‌های زائر» به نکات مهم برای پیشگیری از تاول زدن پا در مسیر پیاده‌روی اربعین و عمودهایی که موکب خدمات درمان تاول را ارائه می‌دهند، پرداخته است.

۱. از کفش نو و جدید برای پیاده‌روی اربعین استفاده نکنید بلکه با کفش سبک یا دمپایی که با آن احساس راحتی می‌کنید، به زیارت بروید.

۲. چند جفت جوراب نخی به همراه داشته باشید و هر روز جوراب‌های خود را عوض کنید.

۳. پیش از پوشیدن جوراب دور انگشتان را چسب ضدحساسیت بزنید.

۴. پای خود را در محل‌هایی که امکان شست‌وشو وجود دارد، با آب خنک بشویید و پس از خشک کردن، روغن بنفشه یا پماد A+D بمالید.

۵. اگر پایتان تاول زد، با بتادین محل تاول را ضدعفونی کرده و از ترکاندن آن بپرهیزید.

۶. تلاش کنید محل تاول خشک باشد که برای این منظور استفاده از چسب زخم گزینه مناسبی است.

۷. در زمان باقی‌مانده تا سفر در صورت امکان پای خود را حنا کنید تا پوست پا سفت‌تر و از حساسیت جلوگیری شود.

۸. در صورتی که پایتان تاول زد و برای ادامه مسیر با مشکلاتی روبه‌رو شدید، به عمودهای ۲۸۵، ۵۲۹ و ۱۱۲۷ مسیر نجف تا کربلا که موکب‌های درمان تاول مستقر هستند، مراجعه کنید.

مناقب

فضائل امام حسن(ع) به روایت اهل سنت

به روایت شیخان (بخاری و مسلم) از براء که گفت: رسول اکرم(ص) را دیدم حسن(ع) بر دوش آن حضرت بود و می‌فرمود: خدایا من دوستش دارم پس تو هم دوستش بدار. (صحیح بخاری ۴:۲۰۷. صحیح مسلم ۱۵:۱۸۳. صحیح ترمذی ح ۵:۶۶۱، ح ۳۷۸۲ و ۳۷۸۳)